

در جست و جوی زمان از دست رفته

سال کهنه به پایان رسید و سال نو از راه رسید. گذر ایام بیش از هر چیز این واقعیت را عیان می کند که «زندگی جاریست»؛ پس نباید در گذشته بمانیم و تنها باید ارزش عمر و زمان را بدانیم و به فردایی بهتر فکر کنیم؛ فردایی که بهتر بودن آن در گرو غنیمت دانستن امروزان است.



سال کهنه به پایان رسید و سال نو از راه رسید. گذر ایام بیش از هر چیز این واقعیت را عیان می کند که «زندگی جاریست»؛ پس نباید در گذشته بمانیم و تنها باید ارزش عمر و زمان را بدانیم و به فردایی بهتر فکر کنیم؛ فردایی که بهتر بودن آن در گرو غنیمت دانستن امروزان است.

انگار همین دیروز بود که سال 93 از راه رسید. اما امروز همه آن تمام شد. چه زود گذشت. فرصتی بسیار اندک در اختیار داشتیم و شاید آنگونه که لازم بود گذر لحظه ها را حس نکردیم. برخی از ما قدر لحظه لحظه هایمان را دانستیم و برخی اما غرق زندگی روزمره شدیم و خود را در لابه لای دل مشغول هایی زندگی گم کردیم.

تاریخ ورقی دیگر خورد و سالی تازه از راه رسید و ما نیز باید در این میان سعی کنیم تا این تحول تنها در تقویم نباشد بلکه از این گذر آموزه هایی را کسب کنیم. اما آیا امسال فرصتی برای اندیشیدن به کردار خود داشتیم یا لختی به خود اندیشیدیم؟ نسبت به هموعان و جامعه ی خود چه رفتاری داشتیم؟ آیا حس مسوولیت نسبت به محیط زیست مان داشتیم یا سعی مان چیز دیگری بود و بی توجه به خود، جامعه و محیط مان بودیم؟

در این ارتباط بیان چند نکته شاید مفید باشد:

1- دعای آغازین روز سال فلسفه یی عمیق و جالب دارد؛ این امر که از خدا بخواهیم تا در ما تحولی ایجاد کند خود نشانگر تغییر و نو به نو شدن در راستای رسیدن به کمال در انسان است. از سوی دیگر، تحول، معنایی شگرف و جاودانه دارد چرا که بدون متحول شدن، انسان دچار رکود و رخوت می شود و نمی تواند رو به سوی کمال برد. همچنین باید گفت تحول این دقت و توجه را به همراه می آورد که آدمی با خود به خلوت بنشیند و سعی کند با تحویل سال خود را متحول کند. تحول، نو شدن و تازگی را با خود به همراه می آورد. مولانا شاعر پرآوازه ی ایرانی در توصیف این تازگی می گوید:

«گفت پیغمبر به اصحاب کبار/ سرمپوشانید از باد بهار

آنچه با برگ درختان می کند/ با تن و جان شما آن می کند»

بهار خرمی و سرسبزی، تازگی و طراوت را در طبیعت به همراه می آورد و ای کاش که ما نیز پا به پای این تحول، متحول شویم و روح و جان خود را از آلودگی ها بیالاییم تا با پاک کردن زنگارها آینه ی جانمان را جلا دهیم.

2- پندآموزی از گذشته یکی از درس های آمدن سالی تازه است؛ این که زندگی در حرکت است و گذر ایام آدمی را با خود می کشاند و در این رهگذر هر کس به طریقی به مثابه ی مسافری از کاروان دنیا در حرکت است. بی شک در مسیر درست قرار گرفتن نیاز به کند و کاو در خود دارد؛ این که چه کرده ایم و چه می باید انجام می دادیم. کردار خود را به سان آینه یی در مقابل خود قرار دهیم و با سنجش کردار خود سعی در عبرت آموزی از گذشته داشته باشیم و بر نقاط مثبت بیافزاییم و بار منفی را از بین ببریم. البته باید این نکته را مدنظر قرار دهیم که مروری بر گذشته و عبرت آموزی از آن به معنای متوقف شدن در گذشته نیست بلکه پند گرفتن برای ساختن آینده است. چرا که همه ی ما در زندگی به نوعی خوشی ها و غم هایی را تجربه کرده ایم که هریک از آن ها اندرزهایی به ما داده اند و هر کدام در ساحت زیست مان بخشی را به خود اختصاص داده اند. پس بدین سان بهره مندی و به کار بستن آموزه هایی که از تجربه ی زندگی گرفته ایم می توانند مفید به فایده باشند.

3- یکی دیگر از مهمترین درس های زندگی زمان شناسی یا ارزشمندی زمان است که به مثابه ی طلا کمیاب و قیمتی است. کمیابی زمان چنان ارزشی به آن داده که بی توجهی به گذر آن جبران ناپذیر می نماید. از این رو باید زمان را قدر بدانیم و آن را به بطالت نگذاریم؛ چرا که زمان برگشت ناپذیر است و گذشته دیگر بر نمی گردد. زمان شناسی از سوی دیگر نیز انسان را متوجه مقتضیات و تصمیم هایی که در این میان گرفته می شود، می کند. گاهی با یک تصمیم نا به جا دچار آسیب های فراوان می شویم. پس توجه به ارزشمندی زمان و گذر آن آدمی را به فکر تعمق و تدبیر بیشتر در امور می کشاند و این که آینده از گذر حال به دست می آید و بی توجهی به اکنونی که در آنیم بزرگترین سختی ها را برای انسان به بار می آورد؛ پس یادمان باشد که «خیلی زود دیر می شود.»

4- در تحول و پویایی است که امید شکل می گیرد؛ چرا که حرکت و پویایی ما را به سمت پیشرفت هدایت می کند و پیشرفت

به افزایش امید می انجامد؛ پس در این میان نگرش ایستا و غیرفعال جایی برای پیشرفت و امید به جا نمی گذارد. پویایی نشان دهنده ی شور و شوق برای رسیدن است. همچنین برای رسیدن توجه به مسیر بسیار مهم است و آن نیز جز با برنامه ریزی و هدفمندی در زندگی میسر نمی شود. گذر ایام با خود نکاتی را برجای می گذارد تا بتوانیم با بهره مندی از آن ها راه به سلامت و سعادت ببریم. در این میان «پند از گذشته»، «متوقف نشدن در گذشته»، «زمان شناسی» و «متحول شدن» بخشی از آموزه های گذر ایام هستند.

کلام آخر اینکه نوروز در راه است و تا نوروزی دیگر راهی نمانده است. سعی کنیم از هم اکنون طوری زندگی کنیم که در نوروز دیگر شاهد بهتر شدن خود باشیم؛ چرا که چرخ گردون در حرکت است و زندگی با همه ی سخت و آسان های خود می گذرد. یاد بگیریم که تنها با سرزنش کردن گذشته ی خود به نتیجه نمی رسیم بلکه این حرکت به سمت اصلاح گذشته است که می تواند مسیر تعالی را برایمان بگشاید.

*گروه پژوهش و تحلیل خبری